



انتشار «انقلاب مشروطه با رسم شکل» تازه ترین اثر محمدرفع ضیایی

نسرین انصاف پور، همسر زنده‌یاد محمد رفع ضیایی از انتشار کتاب «انقلاب مشروطه با رسم شکل» از سوی انتشارات مروارید خبر داد. به گزارش ابتکار، در این کتاب ۴۴۶ صفحه‌ای وقایع مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ به طنز روایت می‌شود و شاهان قاجار از ناصرالدین شاه تا مظفرالدین شاه و حتی کودتای رضاخان به طور اجمالی و طنز حضور دارند. این اثر با بیش از ۳۵۰ کاریکاتور با شرح‌های کوتاه درباره وقایع مهم مشروطه توضیح می‌دهد. محمدرفع ضیایی از پیشگوسوتان طنز در ایران به شمار می‌رود و بیش از ۳۰ سال در نشریات مختلف فکاهی به فعالیت پرداخت. او بیش از هر کس دیگری در مورد تاریخ کاریکاتور و کارتون در ایران به تحقیق و گردآوری اطلاعات پرداخته و مقالات او مرجعی برای بررسی تئوری این هنر در ایران محسوب می‌شود. از مهم‌ترین فعالیت‌های او حضور در مجله خورجین، همچنین همکاری با گل آقا از اولین شماره‌ها است. هزاران کاریکاتور تاکنون از او به چاپ رسیده است.

نواده از جدش می گوید:

ستارخان، نامی به استواری آزادی و رادمردی

فرینوش اکبرزاده

نامش «ستار» بود. «ستارخان» صدایش می‌کردند، اما برای ما، سرداری است برای همیشه ی تاریخ. نامش را بارها شنیده ایم؛ سرداری ملی که ایستادگی اش، خونی دوباره در رگهای مشروطه جریان داد و مظلومیتش، خاطرات آخرین سالهای زندگی اش را در سکوت رقم زد.

اکتون و در روزهای گرم مردامده، برگزاری مراسم سنتی سالانه سالروز صدور فرمان مشروطه بیانه ای شد برای گفتگو با مردی از خانواده سردار ملی که حرفهای زیاد و درد دلهای فراوانی دارد و با این وجود، مانند همیشه آرام و باطمینان به بهترین و شایسته ترین کلمات برای معرفی جدش و دیگر مشروطه خواهان استفاده می‌کند.

«سامی سردار ملی» نماینده و سخنگوی خانواده ستارخان به همراه همسر هنرمندش، فریبا فرهنگی پاسخگوی سوالات ما بودند و ضمن یادآوری برگزار نشدن همایش گرامیداشت یکصدمین سالگرد درگذشت ستارخان در تبریز، از این خاطره ارزشمند، لزوم پرداخت شایسته تصویری به نمادهای ملی، جمع آوری خاطرات بسیار گسترده ای که در سینه مردمان کشور محفوظ مانده، ساخت یادمانی برای مشروطه خواهان در تبریز، بنیاد مشروطه پژوهی و اقداماتی برای خروج این خاطره تاریخی از مهجوریت برای نسلهای آینده سخن گفتند.

آنچه می‌خوانید ثمره این گفتگو است...

ادای دین به تاریخ

هنوز هم مشروطه را و مشروطه خواهان را نمی‌شناسیم. رسیدن به این باور در کنار بررسی سایر اتفاقاتی در تاریخ کشور که بیشتران بدوم مطالعه و شناخت برای درس گرفتن از پیشینه زندگی مردمان این دیار رها شده اند، نشان می‌دهد تا چه اندازه به تاریخ و تاریخ سازان اجحاف شده و چقدر نسبت به تفکر و شناخت نسلهای آتی بی‌دقتی کرده ایم.

سامی سردار ملی در این رابطه می‌گوید کشورهای استعمارگر در راس آنها، انگلیسی‌ها هیچ‌گاه موافق استقرار مشروطه در ایران نبودند و با راهکارهای خودشان سعی در مخدوش کردن چهره این اقدام مردمی نموده‌اند. آنها تمام تلاش خود را برای جلوگیری از شناخته شدن فرهنگ و اندیشه های مردم مشرق زمین و به خصوص ایران به کار گرفته‌اند؛ این حال مای دانیم چه تلاشهایی برای استقرار و احیای مشروطه کشیده شده است. خانه ستارخان به توب بسته شده و تخریب شده، یک برادر و دو برادرزاده اش به دار ریخته شده اند و به خودش نارو زده شده؛ تمام اینها نشان می‌دهد این حق ستارخان و دیگر مشروطه خواهان در هر نقطه از ایران است که به درستی و آنچنان که شایسته ایشان می‌باشد، شناخته شوند.
نواده ستارخان معرفی شایسته بزرگان تاریخ ساز کشور را حق آنان بر دوش نسلهای بعدی معرفی می‌نماید و معتقد است این معرفی و شناخت اگر به شکل درست و بدون زوائد مرسوم صورت بگیرد که به علاقمندی مردم و به ویژه نسل جوان با فرهنگ و تاریخ و داشته هایشان منجر می‌شود.

سردارملّی، این شناخت صحیح را از عوامل مقابله با شخصیت دزدی فرهنگی که در سالهای اخیر بسیار رواج یافته می‌داند و می‌گوید باید بزرگان کشور را در جایگاه یک قهرمان بشناسیم و برای معرفی آنها تلاش کنیم. باید به نسلهای آتی هم فکر کنیم و نگران قضاوت آنها باشیم؛ اینکه در آینده در مورد رفتار امروز ما با چه دیدگاهی قضاوت خواهد شد.

مشروطه پژوهی در بیج و تاب تاریخ جامانده

نوه پژوهشگر ستارخان با اشاره به لزوم شفاف سازی از پژوهش‌ها و نوشتارهای تاریخی از دیداز تاکنون، گفت: در طول تاریخ تمام کسانی که در مورد مشروطه و ستارخان نوشته اند، دوستدار مشروطه نبوده‌اند و به همین جهت در این نوشته‌ها غرض ورزی‌هایی هم صورت گرفته است و این مساله نیازمند شفاف سازی است.

وی نوشته‌های ادوارد براون را به عنوان مثالی در این زمینه ذکر می‌کند و می‌گوید: همه می‌دانیم که انگلیسی‌ها علاقه مند به استقرار مشروطه و ستارخان نبوده‌اند و دور از ذهن نیست که در کتابهای براون، بخواتیم که ستارخان در خانه اش چندین پیانو هم داشته است!

سردار ملّی از رواج نگاه‌های عوامانه در چنین مباحثی به عنوان آسیب دیگر این حوزه نام برد و گفت: از فردی که مطالبی از مخبرالسلطنه و ادوارد براون خوانده بود نقل می‌شد که ستارخان گفته «من نمی‌دانم مشروطه یعنی چه!» نقل مستمر این چنین جملات اشتباهی، چه تصویری در ذهن جوانترها ایجاد می‌کند؟ آیا این دیدگاهها چهره‌ای نامعقول و نادرست از شخصیت برجسته مشروطه در ذهن متبادر نمی‌سازد؟ پس باید برای معرفی درست افرادی که در تاریخ کشور جریان ساز بوده‌اند تلاش کنیم.

نقل است ستارخان بعد از زخمی شدن وقتی که در تهران بود وی با شنیدن ظلم و بیداد روسها در تبریز ، به پیشکارش «عزیز» می‌گوید کالسکه را آماده کند و به دیدار دشمن قسم خورده مشروطه شاهزاده عین‌الدوله می‌رود و به او می‌گوید: «اگر توالی آذربایجان باشی بهتر از این است که روسها آذربایجان را اشغال کنند» ویا قبل از زخمی شدن در مجلس گفته بود «من هیچ خوشایندنی بجز قانون ندارم» آیا فردی با چنین درایتی می‌تواند آنقدر ساده باشد که نداند برای چه در حال مبارزه است و مشروطه چیست؟ ستارخان نوشته مکتوبی دارد مبنی بر اینکه با فتوای علمای نجف در راه مشروطه و استقرار قانون قدم گذاشته و هنگام مرگ هم خواسته این فتوا را درون کفن او بگذارند. ستارخان سواد آکادمیک نداشته اما درک درستی از اقدامی که وارد آن شده داشته و بر سر هدف خود ایستادگی نموده است.

مردم، گنجینه خاطرات مشروطه هستند

اتفاقی مانند مشروطه به واسطه فراگیری و وسعت اثرگذاری، خانواده‌های بسیاری در سطح کشور و به خصوص در شهر تبریز را درگیر کرد و به همین جهت بی‌شک اسناد، مدارک و حتی خاطرات بسیار زیادی از دوران مشروطه در دل خانه‌های ما وجود

دارد.

و همانطور که نقل شده و تاریخ ثبت است، چهار ماه قبل از واقعه پارک اتابک، برنامه‌های مختلف و متنوعی در پاسداشت و احترام به مشروطه برگزار شده و بی‌شک از این برنامه‌ها، خاطرات و عکسها و یادگارهای متعددی در میان خانواده‌های ایرانی وجود دارد که نسل به نسل منتقل شده است.

سامی سردارملی یکی از آرزوهای مهم خود را جمع آوری این خاطرات پراکنده در دست مردم نقاط مختلف کشور معرفی نمود و گفت: این دانسته‌ها، خاطرات و عکسها می‌تواند در قالب مجموعه‌ای صادق و ارزشمند از خاطرات دوران مشروطه و نسلهای پس از مشروطه خواهان، آگاهی بخش و بسیار جذاب باشد. وی تجربه موفق موزه مشروطه تبریز را خاطر نشان می‌سازد و تاکید دارد که چنین مکانهایی می‌توانند به صورت مجموعه‌ای ارزشمند برای نسلهای آتی به یادگار بمانند و آنها را در ایجاد دیدگاه درست و قضاوت صحیح از تاریخ سازان کشور هدایت کند.

ستارخان، احبکار مشروطه

نواده ستارخان با اشاره خاطره تاریخی استقرار مشروطه و بعد از آن به توب بستن مجلس برای از ریشه برکندن نهال نورسته مشروطه، گفت: در آن دوران سخت و در روزهای محاصره تبریز، چراغ مشروطه در تمام کشور رو به خاموشی رفته بود به جز درخانه ستارخان. خانه‌ای از چندان بزرگ در محله امیرخیز تبریز که با ایستادگی توانست پرچم‌های سفید تسلیم را از سردر خانه‌ها پایین بکشد و به بازگشت و تولد دوباره مشروطه یاری بسیار موثری برساند.

این گواهی تاریخ است که ستارخان و همراهانش در تهران بسیار مورد استقبال قرار گرفتند، برایشان قربانی کردند و مقدمشان را گرمای داشتند، زیرا این افراد ۱۱ ماه در سخت‌ترین شرایط زندگی کرده بودند تا نهال مشروطه و قانون مداری در ایران خشک نشود و این مساله بسیار مهم و ارزشمند است.

تاریخ، آیینه خاطرات

اغراق نیست اگر بگوییم بیشتر کودکان جهان و تقریبا تمام کودکان ایران با دانسان و شخصیت رابین هود آشنا بوده و او را دوست دارند. با وجود این زمینه ذهنی، ما با افراد سرشناسمان چه کرده ایم؟

سردارملی با اشاره به اهمیت این تکرش به خصوص در نسلهای جوان، از بیان باورهای در مورد ستارخان که او را به عنوان راهزن معرفی می‌کند گلایه کرد و گفت: جای تأسف دارد که عیار بودن و دستگیری از مستمندان توسط ستارخان به عنوان راهزنی معرفی می‌شود ولی همین ویژگی در شخصیت تاریخی رابین هود به عنوان علت محبوبیت و جهانی شدن مطرح می‌گردد.

به گفته‌وی، امروز در دنیا شاهد سرقت نمادهای فرهنگی هستیم و تا وقتی ما استوره‌ها، شخصیت‌های تاریخی و قهرمانان خود را نشناسیم و نتوانیم آنها را به درستی معرفی کنیم، امکان حفظ پیشینه و تاریخ ممان را از دست خواهیم داد. به ویژه در این دوره و



نسرین انصاف پور، همسر زنده‌یاد محمد رفع ضیایی از انتشار کتاب «انقلاب مشروطه با رسم شکل» از سوی انتشارات مروارید خبر داد. به گزارش ابتکار، در این کتاب ۴۴۶ صفحه‌ای وقایع مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ به طنز روایت می‌شود و شاهان قاجار از ناصرالدین شاه تا مظفرالدین شاه و حتی کودتای رضاخان به طور اجمالی و طنز حضور دارند. این اثر با بیش از ۳۵۰ کاریکاتور با شرح‌های کوتاه درباره وقایع مهم مشروطه توضیح می‌دهد. محمدرفع ضیایی از پیشگوسوتان طنز در ایران به شمار می‌رود و بیش از ۳۰ سال در نشریات مختلف فکاهی به فعالیت پرداخت. او بیش از هر کس دیگری در مورد تاریخ کاریکاتور و کارتون در ایران به تحقیق و گردآوری اطلاعات پرداخته و مقالات او مرجعی برای بررسی تئوری این هنر در ایران محسوب می‌شود. از مهم‌ترین فعالیت‌های او حضور در مجله خورجین، همچنین همکاری با گل آقا از اولین شماره‌ها است. هزاران کاریکاتور تاکنون از او به چاپ رسیده است.

ویژه صدوده سالگی مشروطیت

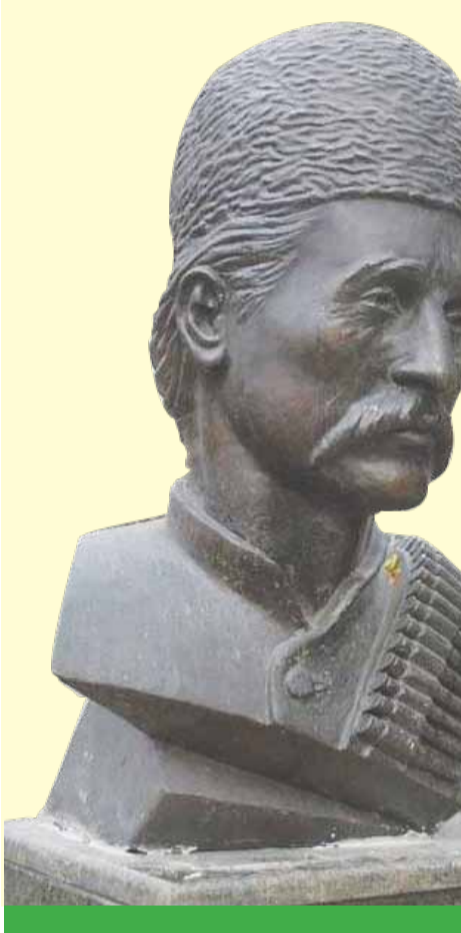
www.ebtekarnews.com

پنجشنبه
۱۴مرداد۱۳۹۵
شماره۳۴۹۲

برای آزادی و اعتلای کشورمان خون داده‌اند و حقشان این است که به شایستگی و درستی شناخته شوند.

سردار یعنی ستار

با تمام این اوصاف، هنوز مشروطه را و مشروطه خواهان را و سردار تنهای مشروطه، ستارخان را به درستی نمی‌شناسیم. فرصت‌های به دست آمده برای بررسی و بازشناسی اتفاقی به بزرگی مشروطه را به سادگی می‌سوزانیم و از دیروزمان برای ساختن فردا درس نمی‌گیریم. خانه ستارخان در تبریز و مقبره او در باغ طوطی ری، هر دو ناشناخته و مهجور هستند؛ اینچنین برخوردی از سوی ما، مردمانی که داعیه‌دار فرهنگسازی هستیم شایسته نیست. سامی سردار ملی، نواده ستارخان و فریبا فرهنگی، هنرمند عکاس شهرمان با کوله باری از حرفها و درد دلهای کهنه و تازه را بدرقه کردیم و با این فکر تنها ماندیم که آیندگان درباره ما، مردمان امروز جامعه‌ای که می‌خواهد فرهنگی باشد و به تاریخ احترام بگذارد و فردایش را با دستان خودش بسازد، چه قضاوتی خواهند کرد؟



دهقانان ایرانی؛ انقلابی یا ضد انقلاب؟

مجید علیپور / عضو شورای نویسندگان تاریخ نگاران ایران

برآوردها نشان می‌دهند که بیش از نیمی از جمعیت ایران در آستانه انقلاب مشروطه را رعایا و دهقانان روستایی تشکیل می‌دادند. این جمعیت عظیم به صورت تاریخی در چنبره نظام ظالمانه زمین داری موسوم به ارباب-رعیتی گرفتار بودند و به سبب سیاست‌های بی‌رحمانه‌ای که در زمینه تقسیم محصول، مالیات‌گیری و اخذ انواع عوارض، غضب و مصادره زمین‌های مرغوب و ... اعمال می‌شد روزگار سیاه و مصیبت‌باری را از سر می‌گذراندند.

در اواخر دوره ناصرالدین شاه و سپس فرزندش، حکومت برای جبران کسری بودجه، سیاست فروش مناصب را در پیش گرفت. با این تفاوت که برخلاف دوره ناصری که مأموران دولت پس از تقدیم پیشکشی و خرید منصب، چندین سال در محل مأموریت خود می‌ماندند؛ در دوره مظفرالدین شاه مدت مأموریت آنها به یک سال کاهش یافت تا پس از تجدید پیشکشی برای سال دیگر هم تمدید شود، یا آنکه مأمور دیگری پیشکشی بیشتری بپردازد و به جای او برای حکومت به آن صوب گسیل گردد. با این رویه مردمی که وصول مالیات از آنها زیر نظر چنین حاکمانی بود، بسیار در رنج بودند، زیرا این حکام می‌خواستند چند برابر پیشکشی داده شده را در همان مدت محدود زمامداری خود از آن بینویان بستانند. البته حکام قاجاری از اعمال چنان سیاست‌های خانه براندازانه‌ای، اهداف دیگری را هم در نظر داشتند که از مهم‌ترین آنها به تعبیر لرد کرزن (Lord Curzon) "آشنا کردن رعیت با ابهت پادشاه" بود. به روایت رضاقلی خان هدایت مولف کتاب روضه الصفای ناصری؛ آقا محمدخان قاجار سرسلسله حکومت قاجارها در پاسخ به خواهش ولیعهدش مبنی بر آنکه اندکی بر رعایا آسان تر بگیرد تا آن جماعت دعا و نیایش بیشتری برای او بکنند. در خشم شدوگفت: "آندیشه ات خام و خطاست! تو با دهقان نزیسته‌ای و تصویری از این عوام الناس نداری. رعیت چون آسوده گردد در فکر عزل رئیس و ضابط اقتد. این گروه فرومایه را باید به خود مشغول کردن که از کار رعیتی و گرفتاری فارغ نگردند! ارباب زراعت و فلاحت باید چنان باشد که هر ده خانه را یک دیگ نباشد تا به جهت طبع آش‌کی روز به عظمت و انتظار بسر برند و الا رعیتی نکندند!"

در چنین ساختاری کاملا طبیعی به نظر می‌رسد که ملاکین (اربابها) سیاست گسترش ترس و فرمانبرداری مطلق رادر قلمرو خود، تا نهایت ممکن بگسترانند. با رعایا بسان حیوانات مزربه و گاه بدتر، رفتار می‌شد. گزارشهای متعددی از حبس‌ها ، شکنجه‌ها و اعدامهای می‌محکمه رعایای معترض یا ناتوان از پرداختها وجود دارد که در کنار روایات بسیار از خدالت در زندگانی خصوصی و زناشویی رعایا تا حد به ازدواج‌واداشتن یا به طلاق کشاندن آنها و حتی اعمال بی‌شرمانه‌ای چون همخوابگی با نوعروسان روستاها، گواهیست بر سیطره بی‌حد و مرز زمین‌دارن بر دهقانان در این دوره.

روایت مختصرحاج سیاح از زندگانی روستاییان به خوبی گویای میزان رنج و ظلمیست که بر این قشر تحمیل می‌شده است: "آرأ قریه کوچکی منزل کردیم. انسان اگر دهات ایرانی را گردش کند می‌فهمد که ظلم یعنی چه؟ بیچارگان سوخته و پرشته در یک خانه، تمام لباسشان به قیمت جل یک اسب نیست. یک ظرف مسی برای طبخ ندارند. ظرف‌هایی از گل ساخته، خودشان با این که شب و روز در سرما و گرمای به شش‌ماه عذاب کارند، نان جو به اندازه سیر خورن ندارند. سال به سال، شش‌ماه به شش‌ماه گوشت به دهانشان نمی‌رسد. هرقبیل نعمت ارزان و فراوان لیکن مردم بسیار پیرشان، باید همه نحو جور حکام را کشیده توقعات ایشان را بجا بیاورند. اینجا را به یک شاهزاده خان خانه داده‌اند که موافق رسم ایران او باید مالیات و فرغ مالیات را چندین برابر از مردم گرفته، رشوه و پیشکش‌ها که خودش داده بپردازد و خود و همراهانش هم فایده ببرند. " این وضعیت به نسبت در سراسر کشور مشاهده می‌شد، فوران(John Foran) به

آنان شدند و کار را به جایی رساندند که بسیاری از همان مستبدین دیروز را به مناصب مهم گماشته، در مقابل خواسته‌ها برای تغییر مناسبات مالکیتی و لغو حق اربابی مقاومت سرسختانه‌ای به خرج دادند. دفاع مجلس مشروطه از زمین‌داران تا اندازه‌ای بود که حسام‌الاسلام(نماینده گیلان) در واکنش به گزارش‌هایی درباره شورش‌های رعایای گیلانی به صراحت گفته بود: "مجلس ملی نخواهد گذاشت رعایا حق مالکین را بخورند!" همچنین از آنجا که جنبش از همان آغاز، شیوه‌ی نظم خواهی با هدف به رحم آوردن حاکمان را در پیش گرفته بود، تلاش رهبران برآن بود که با تمامی ساختارهای موجود مخالفت صورت نگیرد تا مبادا دهنده‌ای شود برای سرکوب خونین جنبش. از همین رو به بسیاری از مسایل در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی توجهی نشد و هیچ‌یک از رهبران اصلی نهضت در فکر گسترش انقلاب به روستاها نبودند. با این حال وضعیت در روستاهای آذربایجان و گیلان متفاوت شد. به گفتهٔ نته الاسلام "در این چند روز واعظین [در آذربایجان] به حمایت از دهقانان برخاسته، وعظ خود را منحصر کرده بودند به این که مباشر را بیرون بکنید و مالک را جواب بدهید." به نوشته کسروی این سخنان به دل رعایای می‌نشتست چنانکه "در همه دیه‌ها تکانی بدید آمد ...! در بسیاری از دیه‌ها بیریقی بالای مسجدها زده و در آنجا گرد می‌آمنند که ما مشروطه طلب شده ایم." در گیلان نیز برخی روشنفکران انجمن‌های محلی به وجود آوردند و تلاش کردند رعیت را با حقوق خود آشنا کرده، به مبارزه با زباده خواهی‌های زمین‌دارن برانگیزند در حالیکه از سایر نواحی به جز چند مورد نظم خواهی و شکایت، همراهی دیگری با جنبش مشاهده نشد!

در واقع از مهم‌ترین علل عدم همراهی دهقانان با جنبش مشروطه خواهی، همین بی‌توجهی رهبران شهری به نیروی عظیم دهقانان بود که بعدها به صورت ناخودآگاه در خدمت مرتجعین و ضدانقلاب گرفته شد تا از جهل و ترس آنها نهایت بهره‌برداری صورت گیرد. با آنکه انقلاب مشروطه حق رای را برای ایرانیان به ارمان آورده بود اما در مناطق روستایی، این رؤسای ایلات و زمیندارن بودند که به واسطه سلطه مطلقشان بر رعایا نتیجه انتخابات را تعیین می‌کردند. وضعیت به گونه‌ای بود که کنسول انگلستان به درستی پیش‌بینی کرده بود علی‌رغم رادیکالیسم موجود در شهرها، اکثر روستاییان در روز انتخابات از خانها وزمین‌دارن پیروی خواهند کرد."

منابع و ماخذ

آبراهامیان، یرواند(۱۳۸۹) تاریخ ایران مدرن، ترجمه: محمدابراهیم فتاحی، چاپ

پنجم، نشر نی، تهران

پاولوویچ، ژم. و تریا؛ س. ایرانسکی (۱۳۵۷) سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران،

ترجمه: م. هوشیار، چاپ دوم، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران

جمشیدیان، سجاد (۱۳۹۰) نمایندگان بهمان، کهنگیلوئه و بویر احمد در مجلس شورای ملی، فصلنامه اسناد، ۲ ش

سوداگر، محمد (۱۳۵۹) نظام ارباب رعیتی در ایران، چاپ دوم، موسسه تحقیقاتی و

اجتماعی یازند، تهران

سیاح، محمدعلی (۲۵۴۲) خاطرات، به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار،

چاپ دوم، امیرکبیر، تهران

نقه الاسلام تبریزی، میرزا علی‌اقا (۱۳۵۷) "مجمل حوادث یومیه مشروطه" مجموعه آثار قلمی نقه الاسلام شهید تبریزی، به کوشش نصرت‌الله فتاحی، انجمن آثار ملی، تهران فوران، جان (۱۳۷۱) مفهوم توسعه‌یابسته به مثابه کلید فهم اقتصاد سیاسی ایران

دوره قاجار، ترجمه: احمد تدین، تاریخ معاصر ایران (مجموعه مقالات) کتاب چهارم،

موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران

کسروی، احمد (۱۳۸۸) تاریخ مشروطیت ایران، نشرکوشش، تهران